

محل خاکسپاری یادگار پیامبر(ص) کجاست

اولین احتمال درباره مدفن حضرت فاطمه(س)، خانه خود آن حضرت است. خانه ایشان در همسایگی خانه پیامبر(ص) در کنار مسجدالنبی قرار داشت که با توسعه مسجد خانه حضرت در داخل آن قرار گرفت.



اولین احتمال درباره مدفن حضرت فاطمه(س)، خانه خود آن حضرت است. خانه ایشان در همسایگی خانه پیامبر(ص) در کنار مسجدالنبی قرار داشت که با توسعه مسجد خانه حضرت در داخل آن قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، به علت دفن پنهانی حضرت فاطمه(س) درباره محل تدفین ایشان بین مورخان و راویان اختلاف نظر وجود دارد، آیت الله محمدعلی جاودان در مقاله‌ای در دانشنامه فاطمی به تبیین این مسأله می‌پردازد.

خانه حضرت(س)

اولین احتمال درباره مدفن فاطمه(س)، خانه خود آن حضرت است. خانه حضرت در همسایگی خانه پیامبر(ص) در کنار مسجد پیامبر(ص) قرار داشت که با توسعه مسجدالنبی(ص) در زمان عمر بن عبدالعزیز (خلیفه اموی)، در داخل مسجد قرار گرفت. مفید، طبری امامی و فتال نیشابوری نیز روایاتی قریب به همین مضمون نقل کرده‌اند. شیخ صدوق و ابن طاووس نیز این قول را صحیح دانسته‌اند. اسناد دفن حضرت فاطمه(س) در خانه خود معتبر است و بزرگان به صحت و شهرت آن گواهی داده‌اند.

از امام صادق(ع) نقل شده است که فاطمه(س) در خانه‌اش دفن شد که بعدها بنی‌امیه (عمر بن عبدالعزیز) مسجد را توسعه دادند و آن را جزو مسجد کردند

برخی گزارش‌های تاریخی و روایات نیز مؤید آن هستند، مانند روایتی که از امام صادق(ع) نقل شده است و طبق آن، علی(ع)، فاطمه(س) را شبانه در منزل خودش که بعدها جزو مسجد شد، دفن کرد. در روایت دیگری، از امام صادق(ع) نقل شده است که فاطمه(س) در خانه‌اش دفن شد که بعدها بنی‌امیه (عمر بن عبدالعزیز) مسجد را توسعه دادند و آن را جزو مسجد کردند. مشابه این فرمایش امام صادق(ع)، از امام رضا(ع) روایتی در مآخذ معتبر شیعی آمده است. علاوه بر این، امام رضا(ع) به بزنتی که از مدفن حضرت فاطمه(س) سؤال کرده بود، با استناد به حدیثی از امام صادق(ع) پاسخ داد که فاطمه(س) در خانه خود دفن شده است. شواهد دیگری نیز وجود دارد، از جمله سخنان امیرالمؤمنین(ع) در هنگام دفن همسرش، خطاب به پیامبر(ص)، که سلام بر تو ای رسول خدا(ص) از طرف من و از طرف دخترت که در همسایگی و جوار تو فرود آمده است، در روایتی که کلینی از امام حسین(ع) نقل کرده، تصریح شده است که امیرالمؤمنین(ع) گفت: سلام بر تو باد ای رسول خدا(ص)، از جانب من و از جانب دخترت که به زیارت تو آمده و در بقعه تو در خاک آرمیده است.

با توجه به روایات مذکور حضرت فاطمه(س) بر پنهان ماندن مراسم نماز و خاکسپاری خویش، این احتمال قوی‌تر است، زیرا بقیع و محدوده روضه در آن زمان، در معرض تعرض بودند، به طوری که صاحبان قدرت می‌خواستند قبرهای احتمالی را نبش کنند تا جسد دختر پیامبر(ص) را بیابند و بر آن نماز بخوانند و او را زیارت کنند. ابن شهر آشوب و اربلی نیز مدفن فاطمه(س) را خانه‌اش دانسته‌اند. اما آنچه مسلم است این است که خاکسپاری، مخفیانه صورت گرفته است و محل دقیق قبر ایشان مشخص نیست. فقط می‌توان گفت که احتمال خاکسپاری حضرت(س) در خانه‌اش، از دو احتمال دیگر قوت بیشتری دارد.

-بقیع

بقیع زمینی بزرگ در مشرق مدینه بود که از مغرب به خانه‌های مدینه و از مشرق به نخلستانی منتهی می‌شد. با افزایش جمعیت مدینه، خانه‌های مسلمانان تا مرز، بقیع پیش رفتند. برخی معتقدند که حضرت فاطمه(س) در بقیع دفن شده است. برخی راویان و مورخان، محل دفن حضرت(س) را خانه عقیل بن ابیطالب دانسته‌اند که در کنار بقیع قرار داشت، قبر فاطمه بنت‌اسد نیز در آنجاست، در روایاتی نیز آمده که امام حسن(ع) در کنار مادرش در بقیع دفن شده است.

ابن‌شبه نمیری قدیم‌ترین مورخ مدینه نقل کرده که عباس بن عبدالمطلب در کنار قبر فاطمه بنت‌اسد و در ابتدای مقابر بنی‌هاشم در خانه عقیل دفن شده است. این مطلب را دیگر مورخان مدینه نیز نوشته‌اند. ظاهراً خانه عقیل با دفن فاطمه بنت‌اسد، رفته رفته مقبره خاص بنی‌هاشم شده است و بعد از خاکسپاری عباس، این بزرگان در آنجا دفن شده‌اند. امام حسن(ع) مجتبی، به

احتمالی خود عقیل، عبدالله بن جعفر بن ابیطالب، امام زین العابدین (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، اما در منابع اهل سنت روایاتی نقل شده که بنا بر آن‌ها، مدفن فاطمه بنت اسد، همان قبر گمشده دختر پیامبر است؛ اما این روایات، به سبب مشکلات سندی محتوایی، در خور اعتماد نیستند.

روایت اول که اهل سنت به آن استناد کرده‌اند، روایت عبدالله بن جعفر از عبدالله بن حسن است، وی از اباهاشم نقل کرده که شنیده است حضرت فاطمه (س) را در خانه عقیل به خاک سپرده‌اند. جمعی از علمای رجال، به این روایت اشکال سندی گرفته‌اند، زیرا عبدالله بن جعفر (اولین ناقل این روایت) شناخته شده نیست و در کتاب‌های رجال شیعه و اهل سنت افراد متعددی با این نام وجود دارد که برخی از آنان موثق و برخی ضعیف‌اند و در خور اعتماد نیستند، روایت دوم مورد استناد اهل سنت، روایت محمد بن عمر واقدی است که از عبدالرحمن بن ابی‌الموال نقل کرده که قبر حضرت فاطمه (س) در گوشه خانه عقیل است. عبدالرحمن بن ابی‌الموال (راوی اصلی این گزارش) در سال 173 هجرت، یعنی 162 سال پس از دفن دختر پیامبر (ص)، از دنیا رفته و شاهد عینی دفن حضرت نبوده است و از این رو، قول او معتبر نیست.

دیگر روایات را ابن شبه نمیری نقل کرده که درباره دفن حضرت فاطمه (س) مفصل‌ترین اطلاعات را داده است. بیشتر روایات وی، به نقل از ابوغسان محمد بن یحیی است که به نوعی همه آن‌ها درباره دفن حضرت (س) در بقیع است. ابن شبه نمیری از محمد بن یحیی و او از قول عکرمه بن مصعب عیدری، روایت نموده است که حسن بن علی (ع) مردم را از گوشه یمانی خانه عقیل که به سوی بقیع باز می‌شد، دور می‌ساخت. این خبر از محمد بن علی بن عمر بن علی بن حسین (ع) و با یک واسطه از عکرمه بن مصعب عیدری نقل شده که عکرمه مجهول است. لذا، این خبر مورد اعتماد نیست، افزون بر این، دور ساختن مردم از گوشه یمانی خانه عقیل، دلیلی بر دفن حضرت فاطمه (س) در آن قسمت نیست و بر فرض اینکه دور ساختن مردم به سبب احترام به بزرگی باشد که در آنجا دفن شده است، باز نمی‌توان ادعای دفن شدن حضرت فاطمه (س) را در آنجا پذیرفت، زیرا احتمال دارد امام حسن (ع) برای احترام به مادر بزرگ گرامی‌اش این کار را کرده باشد.

ابن شبه نمیری از محمد بن علی بن عمر بن علی بن حسین (ع) نقل کرده است که قبر فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) در گوشه خانه عقیل قرار دارد که در آن به سوی بقیع باز می‌شود. راوی این خبر، محمد بن علی بن عمر، هم در رجال شیعه، هم در رجال اهل سنت مجهول است.

مدرک مطمئنی درباره خاکسپاری حضرت فاطمه (س) در بقیع موجود نیست

ابن شبه نمیری در نقلی دیگر از فضل بن ابی‌رافع، ادعا کرده است که قبر فاطمه (س) در برابر کوچه ثبیه قرار دارد که به گوشه خانه عقیل نزدیک‌تر است. ناقلان این خبر، حسن بن مَبُود و فضل بن ابی‌رافع هستند که نام و نشانی در کتاب‌های رجال ندارند. پس، این روایات نیز معتبر نیستند. این خبر احتمالاً بر این دلالت می‌کند که قبر دختر پیامبر (ص) در بیرون خانه عقیل قرار دارد. بنابراین، از حیث معنا و مفهوم با دو نقل مذکور منافات دارد.

ابن شبه نمیری در گزارش چهارم، از غسان بن معاویه نقل کرده که او از عمر بن علی بن حسین (ع) شنیده قبر فاطمه (س) در برابر کوچه‌ای است که در کنار شخصیتی شناخته شده و مقبول دارد، اما غسان بن معاویه (واسطه نقل) ناشناخته و مجهول است. در نتیجه، روایت ضعیف است و درخور اعتماد نیست.

ابن شبه نمیری در پنجمین گزارش خود، از عبدالله بن عمر بن عبدالله نقل کرده که قبر دختر پیامبر (ص) در مقابل خانه عقیل و در کنار خانه ثبیه است، عبدالله بن عمر بن عبدالله نیز در کتاب‌های رجال هیچ نام و نشانی ندارد.

دلیل دیگر برای دفن حضرت فاطمه (س) در بقیع روایاتی است که طبق آن‌ها، امام حسن (ع) وصیت کرده است، در کنار مادرش دفن شود و به وصیت او، عمل شده است. بنابر روایتی از ابن عباس، امام حسن (ع) در کنار مادرش دفن شد، این روایت سه سند دارد که بر آن‌ها اشکالات متعددی وارد شده است: در صدر هر سه سند، نام مزاحم بن عبدالوارث آمده که مجهول است و در رجال شیعه و اهل سنت از او نامی نیست. اشکال دیگر آنکه مفید و ابن شهر آشوب دو روایت دیگر از ابن عباس نقل کرده‌اند که با این روایت معارض است. بر اساس معیارهای تعارض، روایت شیخ طوسی به دلیل موافقت با نظر عامه، طرح و رد می‌شود و اگر گزارش برخی از مورخان پذیرفته شود که ابن عباس هنگام وفات امام حسن مجتبی (ع)، در کنار معاویه بوده است، هر دو روایت به مشکل بر می‌خورند. علاوه بر این، برخی این نقل را نپذیرفته و بر آن‌اند که حضرت (س) در خانه خود یا روضه پیامبر (ص) دفن شده است.

در منابع اهل سنت نیز ابن شبه نمیری نقل کرده است که امام حسین (ع) در وصیت خود فرمود: «مرا در کنار مادرم فاطمه (س) دفن کنید»، سند این روایت مشکل دارد، زیرا راوی آن، عبیدالله بن علی بن ابی‌رافع است که اخبار وی قابل احتجاج نیست.

مورخان پیرو ابن شبه نمیری، مانند ابن نجار بغدادی و سمهودی، همین روایت را از او نقل کرده‌اند و گزارش تازه‌ای ندارند. بلاذری از هشام بن عروه، و او از پدرش نقل کرده است که امام حسن(ع) در حال احتضار فرمود: «اگر از دفن من در کنار قبر پیامبر(ص) هراس دارید، مرا در کنار قبر مادرم دفن کنید».

چون خاندان زبیر و پسران او به دشمنی با اهل بیت(ع) و جعل احادیث درباره آنان مشهور هستند، روایات نقل شده از آنان در مورد خاندان پیامبر(ص) درخور اعتماد نیستند. نظیر این نقل را ابوالفرج اصفهانی آورده است که در صدر سند آن احمد بن سعید قرار دارد که مجهول است. همچنین به این سبب که همه از طبقه دهم و یازدهم‌اند که در نیمه اول قرن سوم یا اوایل نیمه دوم (حداکثر 253ق) درگذشته‌اند و چون ابوالفرج در سال 248 هجرت به دنیا آمده و هنگام مرگ آخرین اشخاص آن طبقات، حداکثر پنج سال داشته است، نمی‌تواند در سلسله نقل روایت قرار بگیرد. بدین ترتیب، مدرک مطمئنی درباره خاکسپاری حضرت فاطمه(س) در بقیع موجود نیست.

امیرالمؤمنین(ع) در همان شب شهادت و دفن حضرت فاطمه(س)، چندین صورت قبر در بقیع ساخت تا قبر ناشناخته بماند

افزون بر این، در این روایات کلمه ام (مادر) به کار رفته است که در زبان عربی به مادر بزرگ هم اطلاق می‌شود و ممکن است در این روایات بر فاطمه بنت اسد حمل شود که مادر بزرگ امام حسن(ع) بوده است. این احتمال با روایات نیز تأیید می‌شود، زیرا طبق برخی روایات - که مفید و طبری و دیگران آن را پذیرفته‌اند - امام حسن(ع) به امام حسین(ع) وصیت کرد تا او را کنار قبر مادر بزرگش، فاطمه بنت اسد دفن کند، افزون بر ضعف اسناد گزارش‌های تاریخی مذکور و اختلاف و تعارض آن‌ها از نظر معنا و مفهوم، شواهد و قراینی، مدفون بودن حضرت(س) را در خانه خویش تقویت می‌کند.

امام حسن(ع) نیز پیش از شهادت به برادرش وصیت کرد جنازه‌ام را برای تجدید عهد، نزد قبر رسول خدا(ص) و سپس نزد مادرم و از آنجا به سوی بقیع ببر و در آنجا دفن کن و با توجه به شواهد موجود، احتمال دفن حضرت فاطمه(س) در قبرستان بقیع ضعیف است، امیرالمؤمنین(ع) در همان شب شهادت و دفن حضرت فاطمه(س)، چندین صورت قبر در بقیع ساخت تا قبر ناشناخته بماند. مردم در آن روزگار، با توجه به این صورت‌های قبر، گمان نمی‌کردند قبر واقعی حضرت فاطمه(س) در جای دیگری باشد.

بنابراین اگر از این صورت‌های قبر، نشان اندکی مانده باشد، دلیل کافی برای توجیه همه نقل‌های تاریخی مذکور است. علاوه بر این، پنهانی بودن دفن دختر پیامبر(ص) از حقایق مشهور تاریخی است و فقط افراد انگشت شماری از نزدیکان خانه وحی، حاضر و ناظر دفن آن حضرت(س) بودند و مردم و حتی حاکمان آن روزگار نتوانستند حقیقت امر را فردای شب دفن و بعد از آن به دست بیاورند. لذا پذیرفتنی نیست که جای قبر ایشان چنان فاش شده باشد که حتی اشخاص ناشناس مکان آن را تعیین کنند.

همچنین جایگاه ویژه حضرت فاطمه(س) در میان مسلمانان و توجه خاص پیامبر(ص) به ایشان و اختلاف حضرت فاطمه(س) با دستگاه حکومت و در نهایت وصیت بر دفن شبانه و اصرار بر پنهان ماندن قبر ایشان، پیوسته حساسیت‌های زیاد و پرسش‌هایی را در اذهان مسلمانان برانگیخته که احتمال داشته است برای حکومت‌ها مشکلات سیاسی به وجود آورد. لذا این امور ممکن بود شایعه‌ها را به اوج برساند و برای حل قضیه و تعیین محل دفن، به جعل روایات فراوانی بینجامد.

در عصر اموی جریان گسترده جعل حدیث شکل گرفت و بسیاری از رویدادهای پس از رحلت رسول خدا(ص) - مانند آخرین نماز قبل از وفات پیامبر(ص)، هجوم به خانه دختر پیامبر(ص) و نهان بودن قبر ایشان - تحریف یا از تاریخ حذف شد، موضوع مخفی بودن قبر نیز - که دلیلی آشکار بر نادرستی وضع موجود و ستمکاری کارگزاران آن روزگار بود - به دست راویان و تاریخ‌نگاران حامی خلافت سپرده شد و آنان برای قبر دختر پیامبر(ص)، جایی مشخص کردند و انبوهی خبر و روایت ساختند.

-روضه پیامبر(ص)

احتمال دیگری که درباره مدفن حضرت فاطمه(س) وجود دارد، روضه نبوی است که از مشرق به خانه پیامبر(ص)، از مغرب به منبر و از جنوب به محراب ایشان محدود می‌شد و حد شمالی آن، بنا بر روایتی از امام صادق(ع)، چهارستون از منبر پیامبر(ص) فاصله داشت و پیامبر(ص) آن را باغی از باغ‌های بهشت معرفی کرده است. شیخ طوسی و طبری از جمله کسانی هستند که محل دفن حضرت فاطمه(س) را روضه پیامبر(ص) یا خانه خود حضرت فاطمه(س) دانسته‌اند.

تنها مستند این قول، روایتی از امام صادق(ع) است که طبق آن، رسول خدا(ص) فرموده: «میان قبر و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من بر سردری از درهای بهشت قرار دارد، زیرا قبر فاطمه(س) بین قبر او و منبرش قرار دارد و قبرش باغی از

باغ‌های بهشت است»، این روایت اشکالات متعددی دارد، زیرا از سویی راوی دوم آن، علی بن حسین سعدآبادی در منابع رجالی شیعه توثیق نشده است و مدحی ندارد و بنابراین، روایت ضعیف است، از سوی دیگر، آخرین راوی در سلسله سند این روایت، محمد بن ابی‌عمیر، نام راوی قبل از خود را ذکر نکرده و لذا، روایت مرسل است. گرچه برخی از بزرگان گذشته، مرسلات ابن ابی عمیر را مانند احادیث مسند او به شمار آورده‌اند، اما برخی از محققان معاصر این مرسلات را بی‌اعتبار دانسته‌اند.

علاوه بر ضعف سند، متن روایت نیز تصحیف و کلمه‌ای جانشین کلمه اصلی شده، زیرا در مصادر درجه اول اهل سنت و شیعه از پیامبر(ص) نقل شده است که میان خانه من و منبرم، باغی از باغ‌های بهشت قرار دارد، اما در این روایت به جای خانه، کلمه قبر آمده است. علاوه بر اشکالات مذکور، این حدیث متعلق به زمان حیات پیامبر(ص) است و در آن زمان، قبر حضرت(س) برای مردم نامعلوم بوده است؛ لذا، نمی‌توان حد و مرز روضه را با آن مشخص کرد.

همچنین در بخش دوم این روایت، سیاق کلام عوض شده و از متکلم به غایب تغییر یافته است و به نظر می‌رسد این کلام «زیرا قبر فاطمه(س) بین قبر او و منبرش قرار دارد»، از راوی بوده که نظر خود را، برای توجیه کرامت مذکور، برای روضه بیان کرده است. در این صورت، این روایت به سبب احتمال آمیخته شدن کلام راوی با متن اصلی، مُدَرَج محسوب می‌شود و اعتبار ندارد، البته این احتمال نیز وجود دارد که ادامه سخن به امام صادق(ع) منسوب باشد و ایشان پس از نقل سخن پیامبر(ص)، سخنی از خویش اضافه کرده باشد. در این صورت، حدیث مذکور حجت است و اشکال مُدَرَج بودن ساقط می‌شود، اما سایر اشکالات باقی می‌ماند.